

بررسی چگونگی وضعیت تعلیم و تربیت در افغانستان

پوهندوی دکتر علی فطرت^۱، غلام حسن دلاور^۲

^۱دپارتمنت پالیسی و پلان آموزشی، پوهنځی روان‌شناسی، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

^۲محصل ماستری، در رشته رهبری و مدیریت آموزشی، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: dr.alifetrat@gmail.com

چکیده

از نخستین اقدامات مبشرین ادیان الهی تعلیم و تربیت انسان‌ها و رهانیدن آن‌ها از اسارت جهل، نادانی و هوای نفسانی بوده و در عصر کنونی امید و اولویت‌های ملت‌ها مجهز شدن با گوهر علم و دانش می‌باشد که در طول تاریخ از جمله دغدغه‌های مشترک جوامع بشری با تفاوت‌های طرز فکر، نگرش‌های سیاسی، دینی، فرهنگی و اجتماعی بوده است. هدف از نوشته‌ی هذا بررسی نمودن وضعیت تعلیم و تربیت در افغانستان از سال ۱۳۸۱ الی اکنون است. براین اساس چهار سؤال پیرامون چگونگی سیر جایگاه تعلیم و تربیت در افغانستان، چالش‌های معارف افغانستان، کیفیت درسی، ارزیابی و روابط والدین با نهادهای آموزشی و سرانجام این که سیستم‌های تعلیمی کشور براساس یافته‌های این تحقیق نظام آموزشی کشور از فساد اداری، نبود امکانات لازم آموزشی، اساتید ورزیده و کیفیت پایین آموزشی به شدت رنج می‌برد. روش انجام این تحقیق کتابخانه‌یی و به منظور گردآوری اطلاعات لازم اسناد و مدارک موجود، مرتبط و در دسترس نظر به شیوه‌های گردآوری داده‌ها، جمع‌آوری شده و اطلاعات گردآوری شده به شیوه‌ی کیفی تحلیل شده‌اند.

اصطلاحات کلیدی: تعلیم و تربیت؛ چالش‌ها؛ کیفیت آموزشی؛ ارزیابی؛ سیستم آموزشی

A Study on the Quality of Education in Afghanistan

Teaching Asstt. Dr. Mohammad Ali Fetrat¹, Ghulam Hassan Delawar²

¹Department of Educational Planning and Policy, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kabul University, Kabul, Afghanistan

²Master's Student in Educational Management and Leadership, Kabul Educational University, Kabul, Afghanistan
Email: dr.alifetrat@gmail.com

Abstract

Originally, missionary religions aimed to elevate humanity from subjugation and ignorance through education. Today, learning is universally valued, although societal contexts, ideologies, politics, and faith have diverged over time. This research examines Afghan education quality from 1381 onward by addressing four questions: education's role in society, systemic issues, teaching standards, evaluation methods and parental engagement, and systems employed. Analysis reveals administrative corruption significantly impacted Afghanistan's education, which lacked resources, experienced teachers, and quality. The research methodology involved qualitatively analyzing existing literature to gather relevant information.

Keywords: Education; Problems; Quality; Evaluation; Systems

مقدمه

نیروی کار تحصیل یافته، یکی از اساسی ترین عوامل رشد و توسعه هر کشور به شمار می آید و این نیرو می تواند کم بود سرمایه ی مادی یا فیزیکی را در جوامع در حال توسعه جبران کند؛ زیرا سرمایه ی انسانی و مادی مکمل یک دیگر اند (عمادزاده، ۱۳۹۸، ص ۱۹۳). عرضه ی خدماتی تعلیم و تربیت باکیفیت از اولویت های دولت مطابق به قانون اساسی کشور می باشد. پیرامون این موضوع ما به تحقیقات در مورد چگونگی وضعیت تعلیم و تربیت در افغانستان می پردازیم تا با تحقیقات اکادمیک در مورد وضعیت تعلیم و تربیت، برنامه ها و سیاست های کلان معارف کشور کاستی ها و ناکارآمدی ها را دریافته و راه حل های مؤثری را ارائه دهیم. با تأکید بر جنبه ها، وجوه حقوق انسانی در چوکات ارزش های اسلامی و ارزش های جهانی تعلیم و تربیت به مثابه ی یکی از حقوق اساسی انسان ها و یکی از شالوده های اساسی توسعه یافتگی و رشد عمومی نباید به آن بی توجهی صورت گیرد.

تقاضا برای عرضه خدمات آموزشی به طور روزافزون، افزایش میابد؛ اما کم بود مکاتب، ساختمان های معیاری و صنوف درسی شدیداً این روند را متأثر ساخته است. کم بود کتب درسی چالشی دیگری است که روند آموزش را متأثر ساخته است؛ عدم مسلکی بودن تعداد زیادی از اساتید و مجهز نبودن آن ها با روش های نوین تدریس، زمان کم برای تدریس، تعدد بیش از حد مضامین درسی، باعث ایجاد خلاء در نوآوری ها در روند آموزش شده است. تجهیزات و سهولت ها در نهادها آموزشی پدیده ی دیگری است که تا جای باعث پیشرفت در زمینه ی آموزش شده؛ ولی به نتیجه دل خواه که باید می رسید، نرسیدیم. وجود مدیریت نادرست و غیر مسلکی عامل این مورد است. ارزیابی تدابیر انضباطی در نهادهای آموزشی هم چنان از نتایج چندانی برخوردار نمی باشد و سیستم تعلیم و تربیت در نهادهای آموزشی کشور همان گونه که دارای محاسن هایی اند، مشکلات را نیز با خود حمل می کند. از سوی دیگر عدم فرهنگ روابط والدین با نهادهای آموزشی تأثیرات منفی بر این روند گذاشته است که تلاش شده است همه این ها را مورد بررسی قرار دهیم.

هدف تحقیق حاضر دستیابی به چگونگی وضعیت تعلیم و تربیت در نظام آموزشی کشور، شناسایی سیستم آموزشی، شاخصه ها و چالش های نظام تعلیم و تربیت کشور و ارائه راه کارهای کیفیت بخشی برای بهبود وضعیت تعلیم و تربیت کشور و داشتن یک نظام تعلیم و تربیت کارآمد می باشد.

سؤال اول: چگونگی سیر جایگاه تعلیم و تربیت در افغانستان

مراحل تعلیم و تربیه در افغانستان دارای فراز و نشیبی های زیادی بوده است، بررسی همه این مراحل به صورت مفصل از توان این نوشته خارج است. بناءً، به گونه اجمالی به آن اشاره می کنم.

الف. تعلیم و تربیت در افغانستان قبل از تاریخ اسلام در این کشور: افغانستان در گذشته قبل از اسلام مهد علم و دانش بوده و مردمان آن همواره مشعل علم را به دست داشتند، تعلیمات دینی، اخلاقی و معرفت به احکام خداوندی از رؤس نصاب درسی شان بوده است. کتاب ویدا که آن را کتاب آسمانی و الهی می دانستند حفظ می کردند و پس از تعلیم علوم دینی مضامینی نجوم، علم الصوت و مراسم مذهبی نصاب درسی شان را تشکیل می داد.

مدنیت اوستایی که تا هزار سال قبل از میلاد تا حمله اسکندر مقدونی ادامه داشت؛ به جای کتاب ویدا، آیین زردشتی تدریس می شد که دوره‌ی تعلیمات ابتدایی تا سن ۸ سالگی دوام داشت و بعد از آن به تحصیلات بالاتر اشتغال می یافتند (علمی، ۱۳۳۹، صص ۱-۲).

بعد از نفوذ آیین بودیزم در کشور در سال ۲۳۷ قبل از میلاد تعلیم بودایی رایج گردد، سن شروع برای تعلیم و تربیت ۶ سالگی و ختم ۲۰ سالگی تعیین شده بود. بیش تر مراکز آن در بلخ و بامیان وجود داشتند که امروز آثار علم و تمدن های آن به وضوح به چشم دیده می شود.

ب. سیر تعلیم و تربیت در افغانستان از آغاز اسلام به بعد: پس از طلوع تابناک خورشید اسلام در این سرزمین که آن زمان بنام خراسان یاد می شد، مردم این دیار که از قبل به علم و دانش آشنایی داشتند با پذیرش دین مبین اسلام و الهام پذیری از ارشادات دین اسلام و پیامبر^(ص) تغییراتی زیادی در عرصه های مختلف از جمله سیاسی، فرهنگی و اجتماعی علی الخصوص تغییرات علمی نصیب حال مردمان این دیار گردید، تا آن جا که عالمان و فلسفه دانان مشهوری مانند موسی جابر بن حیان خراسانی، ابومعشر بلخی، ابن قتیبه مروزی، احمد بن الطیب سرخسی، ابو زید احمد بن سهل بلخی، ابوالحسن شهید بلخی، ابوسلیمان سجستانی، ابوالخیر بن خمار، ابو ریحان البیرونی، مولانا جلال الدین محمد بلخی و غیره را به جامعه‌ی اسلامی و جهان تقدیم نمودند (اصغری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲).

در عصر آل طاهر و سامانیان این سرزمین نیز گواه رویدادهای مهم علمی بوده است؛ از جمله در قرن های نهم و دهم دوره سامانیان افغانستان محل تجمع و پرورش علما بوده است، دربار سامانی ها حامی و مشوق علم و هنر بود؛ زبان دری نیز در همین عصر رونق بیش تری یافت و آثاری در نظم و نثر پدید آمد: تفسیر طبری، تاریخ طبری، کلیله دمنه به زبان دری ترجمه شد و عجایب البلدان ابوالمؤید بلخی، شاهنامه منشور منصوری، شاهنامه منظوم مسعودی، حدود العالم جوزجانی و کتاب البنیة فی الحقایق الادویه هروی تألیف گردید. شعرا بی چون رودکی، شهید بلخی، دقیق بلخی، رابعه بلخی و ده ها شخصیت های علمی دیگر ظهور نمودند و از پیشکسوتان و مشهورترین محصول علمی قرن نهم و دهم ابونصر فارابی و ابن سینا بلخی بودند (اصغری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۳).

در عصر غزنویان و غوریان نیز این سرزمین کانون علم و دانش بوده است و توجه خاصی به علم و دانش و هنر صورت گرفته است تا آنجائی که در حدود (۱۳۰۰-۲۰۰۰) مدارس و مکاتب خانه‌ها در عصر غزنویان تأسیس شد و در عصر غوریان زنان نیز به تعلیم و تحصیل آغاز نمودند، این مشارکت خود توجه خاصی غوریان را به علم و دانش هویدا می‌سازد (اصغری، ۱۳۹۰، صص ۱۷۳-۱۷۵).

پسا دوره تیموریان تا اوایل دوره سلطنت شیرعلی خان، کشمکش‌های بر سر تکیه زدن به اریکه‌ی قدرت میان اولاده تیمورشاه و سرداران محمدزایی، پیکره روئسای معارف در این سرزمین به شکل بی‌پیشینه‌یی صدمه دید تا آنجائی که می‌توان از نابودی معارف به صورت رسمی نام برد، با آن‌هم می‌توان گفت که تعلیم و تربیت عصری در افغانستان پیشینه‌ی فراتر از صدسال دارد؛ با تکیه زدن امیر شیرعلی خان بر مسند قدرت معارف به صورت رسمی دوباره رونق گرفت و برای اولین بار در دوره امیر شیرعلی خان دو مکتب یکی حریبه و دیگری ملکی تأسیس گردید (غبار، ۱۳۸۳، ص ۵۹۵).

بعد از دوره‌های سلطنت شیرعلی خان اولین مکتب بنام لیسه حبیبیه در شهر کابل در دوره حبیب‌الله خان در سال ۱۲۸۲ تأسیس شد که این لیسه دارای سه درجه ابتدایی ۴ سال، رشدی ۳ سال و اعدادی که نه‌ای بود نیز ۳ سال بود. در عصر امان‌الله خان معارف نیز رونق بیش‌تری یافت و در مرکز کابل و اطراف آن مکتب خانه‌ها، مدارس دینی تأسیس شد که پس از تصویب اولین قانون اساسی در ۲۰ حمل ۱۳۰۳ در لویه جرگه جلال آباد آموزش ابتدایی اجباری گردید که ازین پس دولت مکلف به فراهم‌سازی امکانات مادی و معنوی در سرتاسر کشور برای کودکان و متعلمان بود. نخستین مکتب دخترانه بنام عصمت و دیگری بنام مدرسه مستورات که بعدها به لیسه ملالی تغییر نام یافت در سال‌های ۱۳۰۰ هـ. ش تأسیس و در سال ۱۳۰۲ هـ. ش گشایش یافت (اصغری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷).

وزارت معارف در عصر امان‌الله خان در سال ۱۳۰۱ تأسیس شد که قواعد مقرر و نظام نامه‌های عصر امان‌الله خان از جمله تاثیرگذارترین عوامل رشد و شکوفایی تعلیم و تربیت عصری در افغانستان بود. هم‌چنان عصر امان‌الله خان یکی از بهترین و طلایی‌ترین دوره برای آموزش زنان محسوب می‌شود؛ زیرا در این عصر محدودیت‌های سنتی برای آموزش دختران درهم شکست، همان‌گونه که گفته شد، در عصر امان‌الله خان پسا کشمکش‌های زیادی بر سر قدرت که پیکره نظام آموزشی کشور را شدیداً زخمی نموده بود؛ با تأسیس مکتب‌خانه‌های ابتدایی و اجباری شدن دوره‌ی ابتدایی، تأسیس مدارس مختلف در سطوح عالی‌تر در سال ۱۹۳۲م مطابق به ۱۳۱۱ هـ. ش پوهنخی طب، ۱۹۳۸م مطابق به ۱۳۱۷ هـ. ش حقوق، ۱۹۴۲م مطابق به ۱۳۲۱ هـ. ش علوم تجربی پایه‌های اولین آموزش عالی در کشور گماشته شد تا آن‌که با ادغام این سه پوهنخی اولین پوهنتون کشور «پوهنتون کابل» به وجود آمد، انستیتوت تعلیم و تربیت یا

پوهنتون تعلیم و تربیت امروزی در سال ۱۹۵۵ مطابق به ۱۳۳۴ و مؤسسه پولی تخنیک که بعداً به صورت پوهنتون مستقل شد در سال ۱۹۶۷ مطابق به ۱۳۴۶ ه.ش تأسیس شد.

تعلیم و تربیت در کشور به صورت مدرن و عصری بر می‌گردد به زمان حکومت شیرعلی خان و به صورت عمیق‌تر در دوره امان الله خان؛ ولی در طول دوران شاهی و پس از آن الی سال ۲۰۰۱ میلادی رشد کمی و کیفی در نظام آموزش و پرورش کشور صورت نگرفته است؛ در سال ۲۰۰۱ م پسا پایه‌گذاری حکومت موقت، نظام و آموزش و پرورش برای باری دیگر رونق گرفت. طوری که تعداد مکاتب که در سال ۱۳۸۱ به ۳۴۰۰ می‌رسید به ۱۶۴۰۰ باب در سال ۱۳۹۴ ارتقا یافته است و تعداد کودکان شامل مکاتب پس از سال ۲۰۰۱ به یک میلیون یعنی نه برابر در حدود ۹.۲ میلیون افزایش داشته است (وزارت معارف، ۱۳۹۶، ص ۱).

بدون شک که این رشد چشم‌گیر بدون فراز و نشیبی‌ها نبوده است با آن که کمک‌های هنگفت جهانی در زمینه‌ی ارتقا آموزش و پرورش کشور صورت گرفته است؛ ولی به دلیل کم کاری و عدم مؤثریت اداری تا اکنون نیز معارف افغانستان با چالش‌های مواجه است.

سؤال دوم: چالش‌های معارف افغانستان

آموزش و پرورش در هر جامعه بدون اغراق نقش محوری و غیر قابل انکار را در تغییر، تکامل و رفاه جامعه انسانی دارد، تأکید و توجه بر تعلیم و تربیت باعث رفاه اجتماعی و کاستن از رنج‌ها و مشقت‌های است که در نبود آن دامن‌گیر جوامع انسانی شده و اسباب نابودی آن‌را فراهم می‌سازد، این مسئولیت عظیم و اصلی یعنی تعلیم و تربیت را در کشور ما، وزارت معارف بدوش دارد. با آن که وزارت‌های دیگر مانند تحصیلات عالی، کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین، حج اوقاف و انکشاف دهات بعضی از خدماتی تعلیمی را فراهم می‌کند؛ ولی از آنجایی که مسئولیت اصلی بدوش وزارت معارف است، باید از لحاظ کمی و کیفی مورد توجه خاص دولت قرار گیرد، افغانستان از سال ۲۰۰۱ م به بعد مورد توجه خاص کشورهای خارجی بوده است و پول‌های هنگفتی در این کشور برای بازسازی ویرانی‌های ناشی شده از جنگ‌های متمادی نیز به‌ویژه در بخش معارف سرازیر شده است.

یافته‌های محققان و رهبری نظام تعلیم و تربیت کشور نشان می‌دهند که این نهاد به تغییرات جدی و اساسی، چون: اصلاح ساختار و وظیفوی و تشکیلاتی، تجدید و بروز رسانی نصاب درسی، بازنگری شیوه‌ها و شرایط استخدام کارمندان و معلمان، ارائه راه‌کارهای مناسب برای جبران و کم‌بود معلم و ایجاد طرح مناسب در سیستم نظارت و ارزیابی اجرایی نیازمند است. هم‌چنان هماهنگ ساختن برنامه‌ها، ظرفیت‌پروری معلمان برای نوآوری در تدریس، استفاده از ابزار و وسایل تکنولوژی در امر آموزش و

پرورش، فراهم آوری تجهیزات و سهولت‌های حداقل ساختمان و صنوف درسی، ارائه یک طرح مناسب برای دست‌رسی شاگردان به کتاب در زمان مشخص نیز از تغییرات اساسی است که باید صورت گیرد. و نیز افزایش معاشات معلمان، دادن اولویت به سیاست‌گذاری‌های داخلی، مسئولیت‌پذیری مردم در امور آموزش و پرورش برای تعیین سرنوشت فرزندان‌شان هم‌چنان مساعد ساختن زمینه‌های آگاهی با اشتراک عموم مردم که باعث عدم دست‌رسی جوانان در آموزش می‌گردد، مواردی است که باید مدنظر گرفته شود.

سؤال سوم: ارزیابی، کیفیت و روابط اولیاء شاگردان با نهادهای آموزشی

ارزیابی که اساسی‌ترین بخش برنامه‌ی درسی و تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد، به‌عنوان بنیادی‌ترین رکن و مؤلفه بر تقویت رشد معارف کمک می‌کند؛ روند ارزیابی از پیشرفت تعلیمی-تحصیلی کشور متکی بر اخذ امتحانات نیمه‌ی سال و آخر سال و یا نیمه‌ی سمسטר و آخر سمسטר می‌باشد، هرچند ارزیابی به‌صورت تکوینی، روزانه نیز از شاگردان در نهادهای آموزشی اخذ می‌گردد، ولی مشکلات زیادی نظیر مشکلات اقتصادی شاگردان این سیستم را در مکاتب به چالش کشیده است (دانش، ۱۳۹۷، ص ۱).

کیفیت آموزشی نیز خیلی پائین است، پائین بودن سطح کیفیت آموزشی ناشی از قدیمی بودن محتوایی درسی، کم سواد بودن اساتید و نبود امکانات لازم آموزشی است (هشام، ۱۳۹۴، ص ۱۰۵). خانواده پایه‌گذار بخش مهمی از سرنوشت اطفال‌شان است و در تعیین سبک و خط مشی زندگی آینده، اخلاق، صحت و سلامت روانی اطفال نقش بزرگی بر عهده دارد، رشد عاطفی و سلامت روانی کودک به خانواده و محیط خانوادگی بستگی دارد به هریک از اعضای خانواده. به‌خصوص پدر و مادر، در تعلیم و تربیت کودک نقش بسزا دارند. خانه هم‌واره در کنار مدرسه از عوامل مؤثر در فرایند تعلیم و تربیت مطرح بوده و کارایی خود را نیز نشان داده است. هر قدر پیوند خانه و مکتب محکم‌تر باشد، بازدهی تعلیم و تربیت بیشتر خواهد بود. مکاتب افغانستان بیشتر از هر کشوری منطقه و جهان به تدابیر انضباطی شدیدی نیازمند است؛ زیرا اکثر شاگردان به‌خصوص در شهرهای بزرگ بیشتر دچار انحرافات رفتاری و اخلاقی حتی در برابر معلمان‌شان است. این انحرافات رفتاری شاگردان ریشه در روند تربیتی آن‌ها دارد؛ ولی به این معنی نیست که مکاتب نتوانسته است آن‌ها را به‌صورت دقیق به‌سوی اهداف تربیتی سوق دهد، بلکه این ناتوانی ریشه در عدم سهم‌گیری والدین در روند تعلیم و به‌خصوص تربیت فرزندان‌شان دارد. امروز عده‌ی کثیری از والدین تمام مسئولیت‌های روند تعلیمی و تربیتی فرزندان‌شان را بدوش مکاتب و معلمان می‌اندازد که چنین روش در هیچ کشوری جهان معقولیت ندارد؛ بنابراین، آمرین مکاتب و معلمان در کشور به‌منظور جلوگیری از رفتارهای نادرست اجتماعی و ضد اخلاقی آن‌ها

مجبور می‌شوند دست به تدابیر انضباطی خشونت‌آمیز بزنند. در همین حال تمامی کارمندان تعلیم و تربیت در سطوح مختلف از رفتارهای خشونت‌آمیز علیه شاگردان شان منع شده است که این موانع بنابر عدم ترک و دل‌سرد شدن شاگردان از درس و مکتب عنوان شده است.

سؤال چهارم: سیستم تعلیم و تربیت افغانستان

سیستم تعلیم و تربیت در افغانستان به دو نوع است.

الف. سیستم تعلیم و تربیت سنتی: این سیستم قدمت طولانی دارد و پایه‌گذار این سیستم تعلیمی علمای اسلام از بدو ورود اسلام در این سرزمین می‌باشد و الی اکنون توسط علمای دینی مسئولیت آن در مدارس دینی، مساجد، تکیه‌خانه‌ها (اصغری، ۱۳۹۰، ص ۱۲) پیش برده می‌شود. سیستم تعلیم و تربیت سنتی امروز به تعلیم و تربیت دینی تکامل یافته است که فعالیت‌های شان را در کنار سیستم تعلیم و تربیت عصری تنظیم نموده است. آموزش دینی بیشتر در دهات کشور هم قبل از ورود اطفال به مکتب و هم در جریان دروس مکتب ادامه می‌یابد. هم‌چنان عده‌ی برای ادامه تعلیمات عالی شان نیز در این مراکز هم‌چنان مصروف آموزش هستند. از مزیت‌های آموزش‌های دینی که در دهات توسط علمای دینی صورت می‌گیرد، اینست که به دلیل عدم وجود مکاتب در آن جا روند تعلیمی شاگردان را به صورت ابتدایی عرضه می‌دارند که این کار به کمک وزارت حج و اوقاف صورت می‌گیرد. این مدارس در پهلوی مزیت‌های که ایجاد نموده، گاهاً مشکل‌زا نیز شده است که از جمله مشکلات آن بعضاً سوی استفاده‌های جنسی از شاگردان در این مراکز، باعث خدشه دار شدن آموزش دینی و زیرپا گذاشتن قوانین دینی و حقوق اطفال شده است. این مراکز در شهرهای بزرگ به شمول پایتخت و نیز در پوهنتون‌های کشور تحت عنوان پوهنخی ثقافت اسلامی فعالیت دارند که شاگردان شان را به سطح تحصیلات عالی مقطع لیسانس فارغ می‌دهند.

ب. سیستم تعلیمی جدید یا مدرن: پایه‌گذاری سیستم تعلیمی جدید، امروزه معارف و تحصیلات عالی در کشور به دوره‌ی امیر شیرعلی خان باز می‌گردد. شایان ذکر است که این سیستم در طول دوران تکامل خویش فراز و نشیب‌های را طی نموده است و پسا سال ۲۰۰۱ میلادی مطابق به ۱۳۸۱ ه.ش وارد تحول دیگری شد؛ تعلیم و تربیت جدید در دو سطح مقدماتی، متوسطه و عالی ارائه می‌شود که مسئولیت ارائه سطوح مقدماتی و متوسطه را وزارت معارف و سطح عالی را وزارت تحصیلات عالی کشور به پیش می‌برند.

سطح مقدماتی و متوسطه: تعلیمات ابتدایی و متوسطه هم‌اکنون در مکاتب دولتی و مکاتب خصوصی جریان دارد. روند آموزش توسط وزارت معارف در کشور در دو سطح، اول کودکان، نوجوانان و جوانان

و در سطح دوم برای بزرگسالان ارائه می‌شود؛ شروع تعلیمات از سه ماهه‌گی که شیرخواره‌گاه می‌باشد و آماده شدن آن‌ها برای دوره‌ی کودکستان به دلیل نیاز جدی طفل به مادر در این برهه زمانی، این امر در اکثر کشورهای جهان به خصوص در کشور ما که در حالت گذار از مرحله سنتی به مدرن است، اجرایی نمی‌شود. هم‌چنان نظر به یادداشت‌های روان‌شناسی تربیتی در این برهه‌ی زمانی کودک نباید از مادر که اولین فرد زندگی او در اجتماع است، دور گردد.

پس از دوره‌ی شیرخواره‌گاه، مرحله‌ی ورود اطفال به کودکستان به منظور رشد جسمی، عاطفی، اخلاقی و به دست آوردن اطلاعات ابتدایی آغاز می‌گردد. سن ورود به کودکستان در کشور از ۴ ساله و ختم آن ۶ سالگی است، البته قرار گرفتن اطفال تحت تعلیم و تربیت در کودکستان‌ها مطابق به قانون معارف و قانونی اساسی کشور رایگان می‌باشد؛ ولی این مرحله از تعلیم و تربیت به استثنای کشورهای توسعه‌یافته در کشورهای در حال توسعه و به خصوص در افغانستان بدلیل نبود و دسترسی عمومی به کودکستان‌های دولتی، مردم بیشتر به این مرحله نیز توجه چندانی ندارند.

آموزش کودکان و نوجوانان در سه مقطعه‌ی ابتدایی شش سال که ساعات درسی در روز بین ۴-۵ ساعت، در هفته ۲۴-۳۰ ساعت، متوسطه سه سال که ساعات درسی روزانه ۶ ساعت و در هفته ۳۶ ساعت، ثانوی یا لیسه سه سال که ساعات درسی روزانه ۶ ساعت و در هفته ۳۶ ساعت می‌باشد که در این دوره افق دید شاگردان نسبت به اجتماع و رفتارهای اجتماعی، اخلاقی، شخصیتی و به رشد و موفقیت‌های علمی دست می‌یابند، در مکاتب دولتی و خصوصی ارائه می‌شود. هم‌چنان تعلیمات تخریکی و مسلکی و دارالعلوم‌ها نیز الی صنف ۱۴ تحت نظر وزارت معارف خدماتی آموزشی را ارائه می‌کنند؛ روند اصلی تعلیم و تربیت در افغانستان از سه ماهه‌گی شروع و سن فراغت از مکتب ۱۹ سالگی می‌باشد. تعلیمات بعد از دوره‌ی ثانوی یا تعلیمات عالی: تعلیمات بعد از دوره‌ی ثانوی به تعلیمات عالی تکامل یافته است که شامل صنف ۱۳ و ۱۴ می‌باشد. محصلان این دوره را در انستیتوت‌ها فرا می‌گیرند که سیستم درسی انستیتوت نیز به شکل تحصیلات عالی کزیدت‌وار تنظیم شده است. این تعلیمات شامل تربیت معلم در انستیتوت‌های دولتی مانند سیدجمال الدین افغان و مؤسسات خصوصی، تعلیمات اسلامی در مدارس و دارالعلوم‌ها و تعلیمات مسلکی در رشته‌های مختلف در انستیتوت تعلیمات تخریکی و مسلکی می‌شود.

سطح دوم آموزش بزرگسالان: در افغانستان تعلیم و تربیت تنها برای کودکان، نوجوانان و جوانان اختصاص نیافته است؛ بلکه بدلیل سطح بلند بی‌سوادی در کشور یک معینیت در وزارت معارف مصروف عرضه‌ی خدماتی آموزشی برای نوجوانان، جوانان و بزرگسالان مخصوصاً در دهات کشور می‌باشد. وزارت معارف با ایجاد این معینیت در تلاش است تا فرصت‌های از دست رفته برای این طیف از مردم را

تا حد ممکن جبران نماید. آموزش در این دوره شامل خواندن، نوشتن، حساب کردن، و مهارت‌های حرفوی و شغلی است (هشام، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰).

در هردو سطح هدف وزارت معارف تربیت و آماده ساختن نونهالان، مسلمان، متدین، سالم، رشید، مسئولیت‌پذیر، و مؤلد از طریق سیستم تعلیمی فعلی کشور به‌منظور رشد اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی پایدار، تقویت هم‌بستگی اجتماع، وطن‌پرستی، دست‌رسی عادلانه و عمومی به تعلیم و تربیت می‌باشد (وزارت معارف، ۱۳۹۶، ص ۲).

تحصیلات عالی: بدیهی‌ترین هدف آموزش و پرورش افزایش سرمایه‌ی انسانی است، سرمایه‌ی که منطقاً زمینه‌ساز توسعه‌ی انسانی است که امروز نیروی انسانی متخصص و ماهر، مهم‌ترین عنصر توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها محسوب می‌شود. بنابراین یکی از اهداف تحصیلات عالی تربیت نیروی متخصص و کارا که باعث رشد و توسعه‌یافتگی جامعه گردد، می‌باشد. وزارت تحصیلات عالی افغانستان در سه مقطع تحصیلی؛ لیسانس، ماستری و دکترا خدمات ارائه می‌کند (اصغری، ۱۳۹۰، صص ۲۷-۳۰).

در مقاطع تحصیلی ماستری و دکترا باید هزینه صورت گیرد؛ امروز در کشور ۴۴ برنامه ماستری ۳ برنامه دکترا در پوهنتون‌های دولتی و ۳۳ برنامه ماستری در پوهنتون‌های خصوصی ایجاد شده و این در حالیست که بیش از ۵۰۰۰ استاد و کارمند در پوهنتون‌ها از سراسر کشور به بورسیه‌ها در خارج از کشور معرفی شده‌اند، تقاضا برای کسب تحصیلات عالی در کشور رو به افزایش است؛ این وزارت اعلام می‌دارد که در تمام نهادهای تحصیلات عالی دولتی و خصوصی کشور در سال ۱۳۹۷ بیش از ۴۰۰ هزار محصل در حال کسب دانش است. این نهاد در برنامه‌ی بازنگری و انکشاف نصاب درسی در اولین اقدام اش ۱۶۵ رشته‌ی تحصیلی را شناسایی نموده است که در حال حاضر در ۷۴ رشته‌ی تحصیلی، دانشجویان در حال کسب دانش‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

بی‌آن‌که در اهمیت و جایگاه تعلیم و تربیت غلو صورت گیرد، رشد و تکامل همه‌جانبه تمام جوامع بشری وابسته به تعلیم و تربیت است که در صورت عدم توجه کافی در مدیریت و سازماندهی آن می‌تواند چالش‌های عمده‌ی راه‌راه جوامع انسانی به‌وجود آورد، از آن‌جایی‌که افغانستان در گذشته قبل از اسلام نیز مهد علم و تمدن و دانش بوده و مردمان این سرزمین همواره مشعل علم را به‌دست داشته‌اند و جایگاه تعلیم و تربیت را در طول تاریخ الی‌الآن حفظ نموده‌اند که از تعلیمات دینی، مذهبی، اخلاقی و احکام خداوندی^(ع) تا ادبیات و اشعار، علم نجوم و علوم جدید، همواره مهد پرورش علما و

فلاسفه و دانشورانی مانند؛ موسی جابر بن حیان خراسانی، ابوالحسن شهید بلخی، ابوریحان البیرونی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و هزاران دانشمند دیگر بوده است.

سیستم تعلیم و تربیت کشور نظر به پیشرفت زمانی در جایگاه رفیعی قرار ندارد، لذا نظام آموزشی کشور هم‌اکنون نیز با مشکلاتی؛ نظیری عدم داشتن خدمات زیربنایی معیاری مانند؛ ساختمان، صنف، کتاب، وسایل آموزشی و عدم دسترسی درست و معیاری به نصاب آموزشی، معلم، کیفیت پایین آموزشی، عدم وجود یک سیستم ارزیابی معیاری و هم از لحاظ مدیریتی و اداری دچار چالش‌های است که این مهم با توجه به رهبری وزارت معارف حل خواهند شد.

بنابراین، با در نظر داشت یافته‌های این تحقیق پیشنهاد می‌شود تا در تعیین سیاست‌های آموزشی به مردم سهم داده شود. استفاده از معیارهای جهانی و ارزش‌های اسلامی و ملی در عرصه‌ی آموزش با تأکید در ایجاد کیفیت در ابعاد محتوایی و ساختاری نظام آموزشی، ایجاد یک سیستم ارزیابی که بتواند هم نهادهای آموزشی را پاسخ‌گو سازد و هم از روند عقب‌گرد و پیشرفت دانش‌آموزان و محصلان اندازه‌گیری نماید و در نهایت افزایش بودجه و جلوگیری از فساد اداری در نظام آموزشی کشور می‌باشد.

منابع

- اصغری، محمد جواد. (۱۳۹۰). تعلیم و تربیه در افغانستان. فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای. شماره ۷.
- ام ای سی. (۱۳۹۶). ارزیابی آسیب‌پذیری‌های فساد اداری به سطح وزارت معارف: نشر کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری.
- وزارت معارف. (۱۳۹۶). پلان استراتژیک سوم ملی معارف کابل. انتشارات وزارت معارف.
- وزارت معارف. (۱۳۹۷). مرور مشترک تعلیم و تربیه کابل. انتشارات وزارت معارف.
- وزارت معارف. (۱۳۹۸). مجله آموزشی و پژوهشی تعلیم و تربیت. سال اول دور اول شماره ۲.
- وزارت عدلیه. (۱۳۸۷). قانون معارف افغانستان. رسمی جریده، انتشارات وزارت عدلیه.
- پوپل، کریم. (۲۰۱۷). سیر معارف در افغانستان. گزارش تحقیقی سال، انتشارات، محل چاپ. (<http://afghan.german.net>).
- کاردان، علی محمد و همکاران. (۱۳۹۸). علوم تربیتی، ماهیت و قلمرو آن. انتشارات سمت، تهران.
- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و کمیساری عالی سازمان ملل متحد. (۱۳۸۵). حقوق بشر در افغانستان، معیاری ملی و بین‌المللی حقوقی. کابل.
- زهیر، پاینده محمد، علمی، سید محمد یوسف. (۱۳۳۹). تاریخ معارف افغانستان، وزارت معارف، چاپ اول، کابل.
- غبار، غلام محمد. (۱۳۸۳). افغانستان در مسیر تاریخ. ج ۱، چاپ هفتم.
- مجمع عمومی سازمان ملل. (۱۹۸۹). کنوانسیون حقوق طفل، (<http://www.hoqooq.eu>).
- مصمم، پرویز. (۱۳۹۸). نبود هیچ پوهنتونی از افغانستان در فهرست هزار پوهنتون برتر جهان. [یادداشت وبلاگ]. بازیابی شده از www.8am.af.
- محمدی، آریا. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی نظام آموزشی افغانستان. [یادداشت وبلاگ]. بازیابی شده از: <https://8am.af/>